

ضرب المثلهای فارسی و معادل‌های انگلیسی آنها

گردآورنده: مهندس احمد هرمزی

سحر خیز باش تا کامروا باشی.

9. The early bird catches the worm.

پرنده‌ای که زود از لانه بیرون رود کرم پیدامی کند (برای خوردن).

توضیح: صبح زود از خواب بیدار شو تا در زندگی سعادتمند شوی. انسانی که سحرخیز است مانند پرنده‌ای که صبح زود لانه‌اش را برای یافتن غذا ترک می‌کند، زودتر به دنبال رزق و روزی خویش می‌رود و بر دیگران تقدم دارد.

سگ زرد برادر شغال است.

10. One is as bad as the other.

این یکی به بدی آن دیگری است.

توضیح: این با آن فرق نمی‌کند. هر دو بد هستند.

سرمشق بودن بهتر از امر ونهی کردن است.

11. Example is better than precept.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: بجای آنکه دیگران را از انجام کارهای بد نهی کنی خودت از انجام این کارها پرهیز کن تا الگوی دیگران باشی. همچنین مراجعه کنید به ضرب‌المثل: دوصد گفته چونیم کردار نیست.

سیلی نقد به از حلوی نسیه.

12. A bird in hand is worth two in the bush.

ارزش یک مرغ نقد به اندازه دو مرغ در بیشه است.

توضیح: چیز نقد هر چند دردآور باشد بهتر از حواله دادن به نسیه است هر چند شیرین باشد چون درحالت اول بالاخره چیزی نصیب آدم می‌شود ولی درحالت دوم چیزی بدست نیامده است.

شاهانه آخرش خوش است.

13. He laughs best, who laughs last.

کسی که آخر از همه می‌خندد، بهتر از همه می‌خندد.

توضیح: زمانی بکار برده می‌شود که بخواهند کسی را نسبت به عاقبت کار خودش هشدار بدهند.

این ضرب‌المثل حالت طعنه آمیز دارد و بسیار شبیه به ضرب‌المثل: «جوجه‌ها را آخر پاییز می‌شمارند» می‌باشد.

صلاح مملکت خویش خسروان دانند. همچنین: هرکسی مصلحت خویش نکومیداند.

14. The wearer knows where the shoe pinches.

آنکه کفش به پا دارد می‌داند کجای کفشش تنگ است.

توضیح: هر کس در زندگی خویش بهتر از دیگران می‌داند که صلاح کارش چیست و چگونه باید زندگی کند.

طبل تو خالی سروصدای فراوان دارد.

15. Empty vessels make the most noise.

ظروف خالی بیشترین سروصدا را دارند.

توضیح: آنکه کمتر می‌داند بیشتر حرف می‌زند و ادعا می‌کند.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

5. A friend in need is a friend indeed.

دوست زمان احتیاج، واقعاً دوست است.

توضیح: دوست واقعی کسی است که در زمان احتیاج به انسان کمک کند.

دوصد گفته چونیم کردار نیست. همچنین: به عمل کار برآید به سخن دانی نیست.

6. Actions speak louder than words.

صدای اعمال رساتر از کلمات است.

توضیح: اعمال انسان بیش از سخنانش نافذ است. عمل انسان بیش از نصیحت‌های او بر دیگران تأثیر مثبت دارد.

زیره به کرمان می‌بری؟

7. You are carrying coals to newcastle.

داری زغال سنگ به نیوکاسل می‌بری؟

توضیح: نیوکاسل ناحیه‌ای است در انگلستان که بزرگترین معادن زغال سنگ آن کشور در آنجا قرار دارند و زغال سنگ در نیوکاسل حکم زیره در کرمان را دارد. این ضرب‌المثل کنایه از آنست که کسی می‌خواهد چیزی را که در جایی بوفور یافت شده و شهرت آن ناحیه به داشتن همان کالا است از جای دیگر به آن محل ببرد. مثل اینکه کسی بخواهد چای را از کشور دیگری به هندوسریلاتکا ببرد.

زبان در دهان خردمند چیست؟

کلید در گنج صاحب هنر

8. A still tongue makes a wise head.

زبان آرام سراقل سازد.

توضیح: زبان در دهان انسان عاقل و با هوش چون کلیدی است در گنج هنرمند که می‌داند چه وقت و چگونه از آن استفاده کند. کنایه از آن است که آدم با خرد در زمان ضرورت و بصورت مناسب سخن می‌گوید.

بخش نخست ضرب‌المثلهای فارسی

ومعادلهای انگلیسی آنها در شماره قبیل به

چاپ رسید. از آنجا که کثرت مطالب اجازه چاپ تمامی آن را در یک شماره نمی‌داد، بخش دوم آن در این شماره تقدیم خوانندگان می‌گردد.

دنبال شرنگرد. همچنین: پاروی دم مار مگذار و یا: بادم شیر بازی نکن.

1. Let sleeping dogs lie.

بگذار سگ‌های خفته آرام باشند.

توضیح: کاری نکن که درمسی پیش بیاید و دعویستی درست شود.

در ناامیدی بسی امید است

پایان شب سیه سپید است

2. Every cloud has a silver lining.

هر ابری دارای یک پوشش نقره‌ای است.

توضیح: در عین ناامیدی، امیدهای فراوانی وجود دارد همانگونه که در پایان شب سیاه، سپیده روز سبز می‌زند.

دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.

3. Better late than never.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: نصیحتی است برای رانندگانی که بدون احتیاط و با سرعت زیاد می‌رانند.

در اثر صبر نوبت ظفر آید. همچنین: صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد.

4. All things come to him who waits.

همه چیز برای کسی است که صبر داشته باشد.

توضیح: انسانی که در زندگی صبر را پیشه کند پیروزی نصیب او خواهد شد اگر چه ممکن است بردباری و مقاومت در برابر مشکلات سخت باشد ولی نتیجه آن مثبت خواهد بود.

27. There are wheels within wheels.

توی این چرخها، چرخ هست.

توضیح: گویا در پس قضیه اصلی، خیرهایی هست که شخص یا اشخاص درگیر از آن بی اطلاعند.

کاسه ای زیر نیم کاسه هست. همچنین: یک خبری هست.

28. There is some thing in the wind.

یک چیزی در باد هست.

توضیح: گویا در پس قضیه اصلی، خیرهایی هست که شخص یا اشخاص درگیر از آن بی اطلاعند.

کار حضرت فیل است.

29. It takes a lot of doing.

کار زیادی می برد.

توضیح: اشاره به کار سختی است که انجام آن برای انسان تقریباً محال است و یا بسیار مشکل می نماید.

کار حضرت فیل است.

30. It is a herculean task.

از عهده هر کول بر می آید.

توضیح: اشاره به کار سختی است که انجام آن برای انسان تقریباً محال است و یا بسیار مشکل می نماید.

کار حضرت فیل است.

31. It is an elephantine task.

از عهده فیل بر می آید.

توضیح: اشاره به کار سختی است که انجام آن برای انسان تقریباً محال است و یا بسیار مشکل می نماید.

کار نیکو کردن از پر کردن است.

32. Practice makes perfect.

ممارست کار را بی عیب می کند.

توضیح: در اثر تمرین و ممارست می توان کیفیت کالاها را بالا برد.

کار امروز را به فردا واگذار مکن.

33. Never put off till tomorrow what you can do today.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: کاری را که می توانی امروز انجام دهی به عهده تعویق مینداز و فرصت را از دست مده.

کسبوتر با کسبوتر با باز

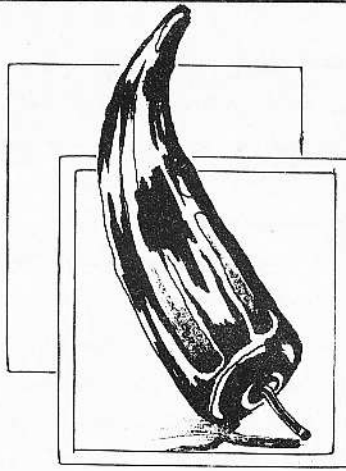
کند هم جنس با هم جنس پرواز.

34. Birds of a feather flock together.

پرنده گانی که یک جور پر دارند گرد هم می آیند.

توضیح: در مورد افرادی بکار می رود که با داشتن نقاط مشترک و وجوه تشابه بین خودشان گرد هم می آیند و با هم حشرونشر دارند.

کنایه از آن است که این گروهها از ارتباط با افراد غیر خودی اجتناب می ورزند.



زیبایی در چشم بیننده است.

توضیح: کنایه از آن است که هر کس باید خودش درباره چیزی که می خواهد تصمیم بگیرد و از آن خوشش بیاید ولو دیگران آترا دوست نداشته باشند. این ضرب المثل بخصوص در مورد رفع اختلاف عقیده زن و شوهر با نظرات خانواده شان بکار برده می شود.

عقل سالم در بدن سالم است.

22. A sound mind in a sound body.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: این ضرب المثل در تمجید از ورزش است.

فلفل نبین چه ریزه بشکن بین چه تیزه.

23. Little fellows are often great wits.

آدمهای کوچولو از هوش زیادی برخوردارند.

توضیح: به ظاهر کوچکش نگاه نکن، کار زیادی از او بر می آید، باطنش بیش از آن چیزی است که ظاهرش نشان می دهد.

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

24. Many a little makes a mickle.

از تعداد زیادی اجزاء کم مقدار بسیار زیادی جمع خواهد شد.

توضیح: این ضرب المثل در تمجید از دوراندیشی اقتصادی و پس انداز مالی در زندگی است.

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

25. Take care of the pennies and the pounds take care of themselves.

مواظب پنی ها باش لیره ها مواظب خودشان هستند.

توضیح: این ضرب المثل در تمجید از دوراندیشی اقتصادی و پس انداز مالی در زندگی است.

کاسه از آش داغ تر و یا اینکه: دایه مهربانتر از مادر.

26. More catholic than the pope.

کاتولیک تر از پاپ.

توضیح: در مورد کسی بکار می رود که در موضوع معینی بیش از آنچه که به او مربوط می شود دخالت کرده و یا دلسوزی می کند.

کاسه ای زیر نیم کاسه است.

عقلش پاره سنگ بر می دارد.

16. He has a screw loose.

یک جای کارش خراب است.

توضیح: نادان است و نمی فهمد. عقل درست و حسابی ندارد، خُل است.

عقل مردم به چشمشان است.

17. People tend to judge by appearances.

مردم مایلند از روی ظواهر قضاوت کنند.

توضیح: مردم بیشتر از روی ظاهر اشیاء و پدیده ها قضاوت می کنند تا باطن و ذات آنها، این ضرب المثل کنایه از ساده اندیشی و ظاهرنگری است.

عجله کار شیطان است.

18. The more haste, the less speed.

عجله بیشتر، سرعت کمتر.

توضیح: این ضرب المثل در نکوهش و مذمت تعجیل در کارهاست. کارها را باید با آرامش و اطمینان خاطر به انجام رساند.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

19. An ounce of precaution is worth a pound of cure.

یک اونس پیشگیری به اندازه یک پوند علاج ارزش دارد.

توضیح: پیشگیری بیش از درمان ارزش دارد، باید قبل از وقوع هر پیشامدی با تمهیدات لازم از آن جلوگیری بعمل آید. این ضرب المثل بر ارزش دوراندیشی دلالت دارد.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

20. Prevention is better than cure.

پیشگیری بهتر از درمان است.

توضیح: پیشگیری بیش از درمان ارزش دارد باید قبل از وقوع هر پیشامدی با تمهیدات لازم از آن جلوگیری بعمل آید. این ضرب المثل بر ارزش دوراندیشی دلالت دارد.

علف به دهان بز شیرین می آید. همچنین: لیلی را به چشم مجنون باید دید.

21. Beauty is in the eye of the beholder.



هر گلی بزنی به سرخودت زدی.

49. It will be a feather in your cap.

پری بر کلاه خودت خواهد بود.

توضیح: هر اقدام مثبت و مناسبی که در این مورد بنماید برای

خودت هم منفعت خواهد داشت و باید این کار را از آن خود هم بدانی.

هر گلی زدی به سرخودت زدی. همچنین:

آنچه کنی بخود کنی

گر همه نیک و بد کنی

50. As you make your bed, so you must lie on it.

هر جور هم رختخوابت را درست کنی، بالاخره خودت باید روی آن بخوابی.

توضیح: هر اقدام مثبت و مناسبی که در این مورد بنماید برای

خودت هم منفعت خواهد داشت و باید این کار را از آن خود هم بدانی.

هر که شمشیر زند خطبه به نامش خوانند.

51. Fortune favours the brave.

بخت و اقبال با آدم شجاع است.

توضیح: شجاعت مایه قدرت و حاکمیت بر مردم است. خواندن

خطبه کتابه از آن است که آدم شجاع خلیفه و حاکم خواهد بود.

هر چه کاشی درو می کنی. همچنین:

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو زجو

52. As you sowed, so shall you reap.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: هر کسی نتیجه عمل خودش را می بیند، آنچنانکه هر چه از زمین می روید نشان از دانه ای است که در زمین کاشته شده بوده است.

یک دست صدا ندارد.

53. Two heads are better than one.

دو نفر بهتر از یکی است.

توضیح: یک نفر کار به جایی نمی برد بلکه باید در کارها به هم کمک کرد.

یک بزگر گله را گرمی کند.

54. One scabbed sheep can mar a whole flock.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: وجود یک آدم بد در میان یک جمع باعث سربایت بدی او به دیگران و بدنامی آن جمع می شود.

دنیا جای عبرت است.

55. Live and learn.

زندگی کن و یاد بگیر.

توضیح: باید از زندگی در دنیا بند گرفت حوادث دنیا مایه عبرت انسانهاست.

توضیح: زمانی که انسان تجربه تلخی از گذشته دارد سعی

می کند از تکرار آن حادثه یا حوادث مشابه که همه دارای سرنوشت مشابهی هستند جلوگیری بعمل آورد. برای یادآوری چنین موضوعی از ضرب المثل فوق استفاده می شود.

ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. همچنین:

هر جا جلوسر را بگیری منفعت است.

42. It is never too late to mend.

هرگز برای جبران کردن خیلی دیر نیست.

توضیح: هیچ وقت برای انجام کاری دیر نیست (ترجیحاً کار خیر منظور است). مثلاً در مورد سوادآموزی برای اشخاص بیسواد بخوبی می توان از آن استفاده کرد همچنین: هر جا جلوی ضرر را سد کنی سودخواهی برد چون از ضررهای بعدی جلوگیری شده است.

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

43. Nothing venture, nothing have.

کسی که خطر نکند چیزی بدست نخواهد آورد.

توضیح: تنها کسی که کار کند و شهامت خطر کردن را داشته باشد شایستهٔ مزد و پاداش است.

نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

44. No gains without pains.

بدون رنج چیزی بدست نمی آید.

توضیح: تا زحمت نکشی و رنج کار کردن را تحمل نکنی هرگز به چیز گرانبهایی نخواهی رسید.

نمی شود هم خدا را بخواهی هم خرما را.

45. You cannot eat your cake and have it.

نمی توانی هم کیکت را بخوری و هم آنرا داشته باشی.

توضیح: هنگامیکه قرار باشد کسی از بین دو انتخاب یکی را برگزیند ولی او هر دو را انتخاب می کند. این ضرب المثل راه او می گویند. **کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی** **پرتال جامع علوم انسانی** **وقت طلا است.**

46. Time is gold.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: وقت بسیار با ارزش است. همانگونه که طلا با ارزش ترین متاع مادی است.

واعظ غیر معظ مباح.

47. Practice what you preach.

به آنچه وعظ می کنی خودت عمل کن.

توضیح: فقط پندواندرز مده درحالیکه خودت به آنها عمل نمی کنی.

هرگردی گردو نیست.

48. All that glitters is not gold.

هر چه درخشند طلا نباشد.

توضیح: دو چیز که ظاهر یکسان دارند لزماً در باطن و ماهیت خود شبیه هم نیستند. پس از ظواهر نباید قضاوت کرد.

کبوتر با کبوتر باز با باز

کند همجنس با همجنس پرواز

35. Like likes like.

همجنس، همجنس را دوست دارد.

توضیح: در مورد افرادی بکاری می رود که با داشتن نقاط مشترک و وجه تشابه بین خودشان، گرد هم می آیند و با هم حشرونشر دارند. کنایه از آن است که این گروهها از ارتباط با افراد غیرخودی اجتناب می ورزند.

کاجی به از هیچی. همچنین: یک لنگه کفش توی بیابان نعمت است.

36. Half a loaf is better than no bread.

نصف قرص نان بهتر از هیچ است.

توضیح: اگر چه کم است ولی بهر حال بهتر از هیچ که هست. اگر چه نصف قرص نان آدم را سیر نمی کند ولی بهتر از آنست که آدم اصلاً نان گیرش نیاید.

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من.

37. A man's best friends are his ten fingers.

بهترین دوستان آدم ده انگشت دست او هستند.

توضیح: هیچکس برای انسان کاری انجام نمی دهد بلکه آدم باید خودش به فکر انجام کارهای خویش باشد. این ضرب المثل بر استقلال و عدم وابستگی به دیگران دلالت می کند.

گریه دستش به گوشت نمی رسد گفت گندیده است.

38. The grapes are sour.

انگورها ترش اند.

توضیح: کسی که دستش به چیزی نمی رسد از آن ایراد می گیرد چون می داند که نمی تواند آنرا بدست بیاورد.

گزنکرده پاره مکن. همچنین: اول اندیشه وانگهی گفتار.

39. Look before you leap.

قبل از آنکه پری خوب دقت (نگاه) کن.

توضیح: تا فکر نکرده ای حرفی نزن. اول ارزیابی بعد اقدام. بیهوده دل به دریا نزن.

مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

40. A burnt child dreads fire.

بچه ای که یکبار سوخته از آتش می ترسد.

توضیح: زمانی که انسان تجربه تلخی از گذشته دارد سعی می کند از تکرار آن حادثه یا حوادث مشابه که همه دارای سرنوشت مشابهی هستند جلوگیری بعمل آورد. برای یادآوری چنین موضوعی از ضرب المثل فوق استفاده می شود.

مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

41. Once bit, twice shy.

کسی که یکبار گزیده شده دوباره درمی رود.



ضرب المثلهای فارسی و معادل‌های انگلیسی آنها

وظیفه این مقاله پرداختن به همانندگویی در فارسی و انگلیسی از نقطه نظر ضرب‌المثل‌های مصطلح و رایج است. در برخی موارد به ضرب‌المثلهایی برمی‌خوریم که بیش از یک معادل در زبان دیگر دارد. در بسیاری از ضرب‌المثل‌های فارسی می‌توان به تأثیر فرهنگ غنی اسلام و اشعار فارسی و نیز احادیث و روایات برخورد نمود. همچنین سعی شده است ضرب‌المثل‌هایی انتخاب و گنج‌نامه شوند که مصطلح‌تر و رایج‌تر بوده و کاربردهای نسبتاً زیادی در گفتگوی روزانه دارند.

بمنظور آشنایی خواننده با معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل انگلیسی و مقایسه دقیق‌تر نحوه همانندگویی در دو زبان، ترتیب ذیل رعایت شده است:

۱- ابتدا ضرب‌المثل فارسی آورده شده است.

۲- ضرب‌المثل انگلیسی‌ای که معادل ضرب‌المثل فارسی است.

۳- معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل انگلیسی که به فارسی نوشته شده است. در این مورد هر جا که معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل انگلیسی با ضرب‌المثل فارسی یکسان یا تشابه بسیار زیادی داشته‌اند فقط به کلمه «همان» اکتفا شده است و برای جلوگیری از اطاله کلام از ترجمه کامل پرهیز شده است.

۴- توضیح مختصری در باب کاربرد یا مفهوم ضرب‌المثل.

لازم به ذکر است که کلیه ضرب‌المثل‌ها براساس ترتیب حروف الفبای فارسی مرتب شده‌اند. در این مقاله عمدتاً از منابع ذیل استفاده شده است:

۱- فرهنگ متداول انگلیسی به فارسی.

- دکتر علاء‌الدین بازارگادی- نشر نظر ۱۳۶۹.

۲- فرهنگ اصطلاحات فارسی به انگلیسی.

- سیف غفاری- چاپ سوم- ۱۳۶۳.

۳- فرهنگ کامل انگلیسی- فارسی.

- دکتر عباس آریانپور کاشانی- انتشارات امیرکبیر- ۱۳۶۳.

۴- فرهنگ مصور انگلیسی- فارسی.

- علی اصغر کاوسی برومند- انتشارات پیروز-

۱۳۵۱.

تدوین و گردآوری: مهندس احمد هرمزی بدون شک زبان و خط مهمترین عوامل ارتباط میان ابناء بشر بوده و بیدایش آنها با ایجاد تحوّل و گسترش چشمگیر در زندگی بشر قرین است. پژوهش مختصری که در پی خواهد آمد براهمیت بیش از پیش زبان در نزدیکی انسانها و نقشی که در بالا ذکر آن رفت تأکید خواهد ورزید.

زبان، ابزار بیان تعقل، تفکر، احساسات و عواطف، بیان دردها و شادیه‌ها، ابزار اعلام نیاز و آمادگی برای رفع نیازمندیهاست. شناخت هر زبان تنها از طریق قواعد دستوری میسر نیست بلکه دانستن وجوه اختلاف آن با زبان مادری نیز از ضروریات انکارناپذیر است، همانگونه که دانستن وجوه تشابه آن با زبان مادری کمک فراوانی خواهد کرد. در این مقایسه به مفاهیم مشترکی دست می‌یابیم که ناشی از اشتراک در عواطف، احساسات، تفکرات، نحوه ارتباط با طبیعت، تمثیل‌ها و تشبیه‌ها، و اشتراک در نیازهای مادی و معنوی دولتی است که با آن دو زبان تکلم می‌کنند. تردیدی نیست که آگاهی بر این وجوه اختلاف و اشتراک گام اساسی و مهم در تسهیل ارتباط با دیگر اقوام و ملل دنیا و تقرب قلوب است و یکی از موانع عمده سوء برداشتها و کج فهمی‌ها. در این میان تکبیه کلامها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و داستانهای فولکوریک هر ملتی دارای اهمیت بنیادی هستند و از ابزارهای بسیار مهم شناخت خلق و خوی، آداب و سنن اجتماعی، ارزشها و ضد ارزشهای اجتماعی و اخلاقی به شمار می‌روند.

۱- آب که از سر گذشت، چه یک وجب چه صد وجب.

1. In for a penny in for a pound.

چه برای یک پنی بروی توی آب، چه برای یک لیره. توضیح: این کار نباید اتفاق می‌افتاد ولی حالا که شده دیگر مقدارش فرق نمی‌کند و در نتیجه تأثیری ندارد.

۲- آشپز که دو تا شد آش یا شور است یا بی‌نمک، همچنین بی‌هاما که دو تا شد سرپچه کج می‌شود.

2. Too many cooks spoil the broth.

آشپز که چند تا شد آش خراب می‌شود.

توضیح: وقتی بیش از یک نفر در کاری دخالت کنند آن کار خراب خواهد شد، چرا که هر کدام به رأی خود عمل می‌کند در اینصورت یا به افراط پیش می‌روند یا به تفریط.

۳- آنچه یکی را نوش دیگری را نیش است.

3. One man's meat is another man's poison.

آنچه برای یکی خوراک است برای دیگری سم است.

توضیح: هر چیزی در جای مناسب خود معنا و جایگاه خاصی دارد و باید در جای مناسب بکار گرفته شود، چیزی که برای کسی نافع است می‌تواند برای دیگری مضر باشد.

۴- آدم گرسنه دین و ایمان ندارد.

4. Necessity Knows no law.

احتیاج قانون نمی‌شناسد.

توضیح: تا احتیاجات مادی اولیه برطرف نشوند نمی‌توان انتظار ارزشهای معنوی را از کسی داشت. آدم محتاج که ممکن است به هر کار خلافی دست بزند چگونه می‌تواند متدین و با ایمان باشد؟ فقرا کفر قرین هستند. روایت کادالفرقان بکون کفر آیه همین مضمون است.

۵- آنچه بر خود نپسندی بر دیگران می‌پسند.

5. Do as you wish to be done by.

همان کاری را بکن که دوست داری دیگران بکنند.

توضیح: چیزی را که برای خود مناسب نمیدانی برای دیگران انتخاب مکن. نسبت به دیگران کاری را بکن که دوست داری آنها نسبت به تو انجام دهند.

۶- احمق خود را به آب و آتش می‌زند.

6. Fools rush in where angels fear to tread.

احمقها به جایی هجوم می‌برند که فرشتگان می‌ترسند حتی قدم بگذارند.

توضیح: آدم نادان بدون تعقل دست بهر کاری می‌زند و به نتایج کار نمی‌اندیشد.

۷- از آب گل آلود ماهی گرفتن.

7. To fish in troubled waters.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: از اوضاع معشوش و بهم ریخته به نفع خود بهره‌برداری کردن. اشاره به فرصت طلبی افراد است.

از این ستون به آن ستون فرج است.

8. There is many a slip between the cup and the lip.

بین فنجان و لب گریز زیاد است.

توضیح: زمانی که شخصی از حصول نتیجه مطلوب در موارد خاصی ناامید است، دیگران برای امیدوار کردن وی در ادامه تلاش این ضرب المثل را بکار می برند. منظور از ستون در اینجا نیکه گاهایی است که انسان در زندگی خود به آنها نیاز دارد.

۹. از دل برود هر آنکه از دیده برفت.

9. out of sight, out of mind.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: بر این موضوع دلالت دارد که وقتی انسان برای مدت طولانی از دیدن اشخاص یا مکانهایی که به آنها تعلق خاطر داشته محروم گردد، احساس وابستگی خود به آنها را هم از دست خواهد داد.

۱۰. او نخود هر آش است.

10. He has a finger in every pie.

اوتوی هر کلوچه ای دستی دارد.

توضیح: اشاره به کسی است که در هر کاری دخالت می کند و آدم فضولی است.

۱۱. او آب زیرکاه است.

11. still waters run deep.

آبهای راکد به عمق نفوذ می کنند.

توضیح: اشاره دارد به شخصی که ظاهر آرامی دارد ولی زیرک و مودبی است و ماهیتش مانند آب در زیر کاه پنهان است. مانند آب را کدی است که اگر چه ظاهراً حرکتی ندارد ولی به عمق زمین نفوذ می کند.

۱۲. او شریک دزد و رفیق قافله است.

12. He runs with the hare and hunts with the fox.

او همراه خرگوش می دود و با روباه شکار می کند.

توضیح: منظور آدم دو چهره و دودوزه بازی است که حیانت در اعانت می کند مانند کسی است که حفاظت و نگهداری از مال مردم را بعهده او گذاشته اند ولی وی با دزدان همدست شده و انوال مردم را به تاراج میدهد و در این کار با دزدان شریک است.

۱۳. از جاله درآمدن و به چاه افتادن.

13. out of the frying pan into the fire.

از ماهی تابه درآمدن و در آتش افتادن.

توضیح: از یک گرفتاری کوچک خلاص شدن ولی به مخلصه بزرگتری گرفتار آمدن.

۱۴. از قرض دور، از بلا دور.

14. out of debt out of danger.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: در مذمت و نکوهش قرض گرفتن است و با نگرستن قرض گویی انسان بلایی را از خود دور کرده است.

۱۵. احتیاج مادر اختراع است.

15. Necessity is the mother of invention.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: نیاز انسان مایه اصلی ابتکار و ابداع است و احتیاجات است که اختراعات بشر را پدید شده اند.

۱۶. از تو حرکت، از خدا برکت.

16. Man proposes, God disposes.

انسان پیشنهاد چیزی را می دهد، خداوند آنرا مقدر می کند.

توضیح: برای چیزی که از خدا می خواهی اول خودت قدم عملی بردار بعد از خدا انتظار گشایی در کار را داشته باش.

۱۷. از تو حرکت، از خدا برکت.

17. God helps him who helps himself.

خدا به کسی کمک می کند که او به خودش کمک نماید.

توضیح: برای چیزی که از خدا می خواهی اول خودت قدم عملی بردار بعد از خدا انتظار گشایی در کار داشته باش.

۱۸. عربی آن در فارسی مصطلح است یعنی: النظافة من الایمان.

18. clean liness is next to god liness.

پاکیزگی قبل از خداشناسی است.

توضیح: پاکیزگی جزء ایمان محسوب می شود.

۱۹. در فارسی معادل عربی آن مصطلح است یعنی: الفریق یتشبت بکل حشیش.

19. A drowning man catches a straw.

کسی که در حال غرق شدن است به یک پرکاه هم چنگ می زند.

توضیح: کسی که در حال ضایع شدن است به هرکاری دست می زند و بهر حیلته ای متوسل می شود تا خود را مصون نگاه دارد.

۲۰. با یک گل بهار نمی شود.

20. one swallow does not make summer.

با یک چلچله تابستان نمی شود.

توضیح: با سرزدن یک عمل از سوی فرد یا افراد نمیتوان درباره خصوصیات کلی آن فرد یا افراد قضاوت کرد.

۲۱. باد آورده را باد می برد.

21. Easy come, easy go.

آنچه آسان آید، آسان برود.

توضیح: آنچه که بدون زحمت و کاربردست آید به راحتی هم از دست خواهد رفت.

۲۲. برادری بجای خود، بزغاله یکی هفتصد دینار.

22. Business is business.

تجارت، تجارت است.

توضیح: دوستی و برادری بجای خود ولی قیمت جنس را باید بپردازد. معامله تعارف بردار نیست.

۲۳. بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی.

23. A person is known by the company he keeps.

انسان را از شرکاء او می شناسند.

توضیح: هرکس را میتوان از نوع دوستانی که دارد شناخت چون در انتخاب دوست شخصیت انسان آشکار می شود.

۲۴. بقال نمی گوید: ماست من ترش است، ویا اینکه: کس نگوید که دوغ من ترش است.

24. No one cries: «stinking fish».

هیچکس جار نمی زند: «آهای ماهی گندیده داریم».

توضیح: هیچکس از کاری که خودش انجام داده انتقاد نمی کند و برجستی که می فروشد ایراد و اشکالی نمی گیرد بلکه فقط تعریف و تمجید می کند.

۲۵. بلا نمی آید، وقتی هم بیاید پشت سرهم می آید.

25. It never rains but it pours.

نمی بارد، وقتی هم بیارد آب جاری می شود.

توضیح: در مواقعی بکار می رود که در مدت زمان کوتاهی چندین گرفتاری پشت سرهم برای انسان پیش می آیند. این در حالی است که در مدت زمان زیادی قبل آن مشکلی پیش نیامده است مثل آن است که مدت زیادی باران نمی بارد، ولی

در مدت کوتاهی ناگهان سیل راه بفتند.

۲۶. پارسال دوست، امسال آشنا.

26. long time no see.

خیلی وقت است دیداری دست نداد.

توضیح: در مواقعی بکار می رود که دیرزمانی است کسی دوست خود و یا یکی از بستگانش را ملاقات نکرده و پس از مدت زیادی حالا همدیگر را می بینند.

۲۷. پارسال دوست، امسال آشنا.

27. Hello stranger.

سلام غریبه.

توضیح: در مواقعی بکار می رود که دیرزمانی است کسی دوست خود و یا یکی از بستگانش را ملاقات نکرده و پس از مدت زیادی حالا همدیگر را می بینند. البته در اینجا معادل

انگلیسی ضرب المثل حالت طعنه دارد.

۲۸. پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.

28. Cut your coat according to your cloth.

کت خود را طبق پارچه ای که داری بپز.

توضیح: به حق خودت قانع باش و از حد و حدود خود تجاوز نکن.

۲۹. تا تریاق از عراق آرند مارگزیده مرده باشد. همچنین: نوشدارو بعد از مرگ؟

29. while the grass grows, the cow starves.

۳۰. تا تریاق از عراق آرند مارگزیده مرده باشد. همچنین: نوشدارو بعد از مرگ؟

۳۰. تا تریاق از عراق آرند مارگزیده مرده باشد. همچنین: نوشدارو بعد از مرگ؟



تا علف رشد کند گاو از گرسنگی می میرد.

توضیح: زمانی بکار برده می شود که کار از کار گذشته و راه حل پیشنهادی دیگر فایده ای نخواهد بخشید کنا به از ناامیدی است و مثلاً موقعی بکار برده می شود که داروی مناسبی بعد از پیشرفت بیماری و حتی شدن مرگ یا نقص عضو بیمار به او برسد.

۳۰. تا سه نشه بازی نشه.

30. Third time lucky.

دفعه سوم خوش بُن است.

توضیح: هنگامیکه قضاوت درباره موضوعی در دفعات اول و دوم میسر نشود و یا مشکل باشد این ضرب المثل بکار برده می شود تا ضرورت دفعه سوم را متذکر گردند.

۳۱. ترک عادت موجب مرض است.

31. Custom is a second nature.

عادت، سرشت ثانوی انسان است.

توضیح: اشاره به عدم امکان ترک عادت های مختلف توسط انسانهاست گویی که در صورت ترک عادت مرضی بیش خواهد آمد.

۳۲. تعارف آمد نیامد دارد.

32. One might be taken up on one's offer.

کسی ممکن است جذب پیشنهاد دیگری شود.

توضیح: تعارف نکن چون ممکن است طرف شما دعوتتان را بپذیرد. این ضرب المثل بیشتر جنبه شوخی هم دارد.

۳۳. تا ریشه در آب است امید ثمری هست.

33. while there is life, there is hope.

تا زندگی هست، امید هم هست.

توضیح: انسان تا نفس می کند باید به زندگی امیدوار باشد هیچ وقت نیاید ناامید شویم.

۳۴. تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها.

34. There is no smoke without fire.

دود بدون آتش نیست.

توضیح: تا مسئله ای اتفاق نیفتاده باشد مردم این حرفها را نمی زنند، حتماً دلیلی دارد حرف مردم که بی اساس نیست، این دود نشان از آتش دارد.

۳۵. تا نباشد چوب تر فرمان نبرد گاو و خر.

35. spare the rod, and spoil the child.

ترکه را نگهدار، آتوقچه بچه را رو بده.

توضیح: تا تنبیه نباشد کاری انجام نمی شود و دستوری را اجرا نمی کنند. این ضرب المثل را کسانی بکار می برند که به زور و اجبار معتقدند.

۳۶. تا تور گرم است نان را باید پخت.

36. strike while the iron is hot

تا آهن گداخته است به آن ضربه بزن.

توضیح: الان بهترین موقع برای انجام فلان کار یا زدن فلان حرف است. تا اوضاع مناسب است این کار را بکن. وقتی آهن گداخته است باید به آن ضربه زد چون فقط در این حالت است که شکل می گیرد و این بهترین فرصت است.

۳۷. تا تنور گرم است نان را باید پخت.

37. Make hay while sun shines.

تا خورشید می تابد علوفه (یونجه ها) را خشک کن.

توضیح: الان بهترین موقع برای انجام فلان کار یا زدن فلان حرف است، تا اوضاع مناسب است این کار را بکن، وقتی آهن گداخته است باید به آن ضربه زد چون فقط در این حالت است که شکل می گیرد و این بهترین فرصت است.

۳۸. تونیک می کن و در درجه انداز که ایزد در بیابانت دهد باز.

38. Kindness brings its own reward.

مهربانی اجرو نیکی خود را بیار آورد.

توضیح: تو کار نیک انجام بده و به مردم خوبی کن ولی از آنها انتظار مرزد نداشته باش بلکه پاداش کار نیک ترا خدا خواهد داد.

۳۹. تا درد هجران نکشی به نعمت وصال نرسی.

39. Faint heart never won fair lady.

بزدل هرگز به وصال زن زیبا نرسد.

توضیح: تا دوری معشوق را تحمل نکنی هیچوقت به وصال از دست نخواهی یافت. شجاعت تحمل درد دوری است که نزدیکی را شیرین می کند.

۴۰. جان به عزرائیل نمی دهد.

40. He is mean and stingy.

اوپست و خسیس است.

توضیح: دلالت بر آدمی دارد که بسیار خسیس است.

۴۱. جوجه ها را آخر پاییز می شمارند.

41. Don't count your chickens before they are hatched.

جوجه هایت را قبل از اینکه از تخم بیرون بیایند شمار.

توضیح: هنوز زود است که درباره نتیجه کار ارزیابی شود. این ضرب المثل طعنه آمیز است.

۴۲. چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. همچنین: اول خویش بعد درویش.

42. Near is my skirt, but nearer is my skin.

پیراهنم به من نزدیک است، اما پوستم به من نزدیکتر است.

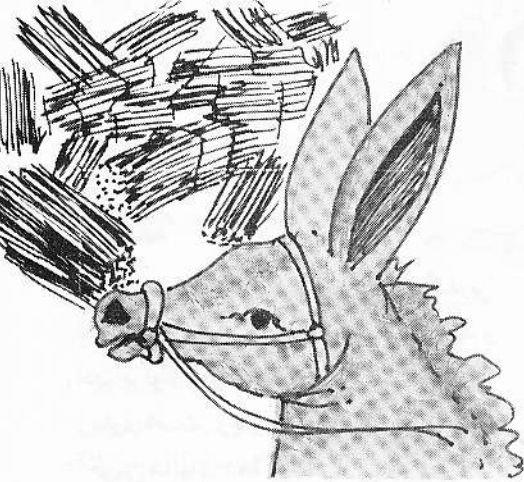
توضیح: اول نیازهای خود و خانواده ات را برطرف کن بعد به دیگران برس.

توضیح: اگر می خواهی مشکل برایت پیش نیاید و آبرویت نرود با (اکثریت) جامعه هماهنگ باش و کاری را بکن که آنها می کنند.

۵۳- خوی بد بر طبیعتی که نشست نرود تا به وقت مرگ از دست.

53. Can the leopard change his spot?

آیا پلنگ میتواند خالهایش را عوض کند؟
توضیح: وقتی ماهیت کسی زشت باشد تا دم مرگ هم همراه اوست.



۴- خر هرچه بیشتر بار برد، بیشتر بارش کند.

54. A willing horse is run to death.

اسب راضی را تا دم مرگ می رانند.
توضیح: آدم هرچه بیشتر کار کند، کار بیشتری به اوست سازند و هرچه زیادت زحمت بکشد، بیشتر از او کار می کنند.
۵۵- دیگر کلاهش بشم ندارد. همچنین: دیگر کسی برایش تره خورد نمی کند.

55. He has no influence.

او دیگر نفوذی ندارد.
توضیح: اشاره به کسی است که قبلاً برویایی داشته و خیلها مطیع او بوده اند ولی الان دیگر کسی برایش کاری انجام نمی دهد و نفوذی در بین افراد ندارد.

۵۶- دیوارموش دارد، موش هم گوش دارد.

56. walls have ears.

دیوارها گوش دارند.
توضیح: اینجا از این حرفها نزن، جاسوس هست که می روند و خیر می دهند.

۵۷- دیگ به دیگ می گوید رویت سیاه.

57. The pot calls the kettle black.

قوری به کتری می گوید رویت سیاه.
توضیح: اشاره به کسی است که صفت یا خصوصیت زشتی را به کس دیگری نسبت می دهد در حالیکه خودش هم همان صفت زشت را دارد.



۴۸- خود کرده را درمان نیست. همچنین: خریزه که خوردی پای لرزش هم بنشین.

48. you must lie on the bed you have made.

جایی که درست کرده ای خودت هم باید رویش بخوابی.
توضیح: کاری را که خود کرده ای، نتیجه اش را هم باید ببینی چاره ای نیست.

۴۹- خر چه دانه قیمت نقل و نبات. همچنین: در خوزستان ضرب المثلی بین مردم رایج است به این مفهوم که، جلو خر چه گاه بگذاری چه زعفران.

49. why do you cast pearls before swine?

چرا مرواریدها را جلو گراز می ریزی؟
توضیح: دلالت دارد بر کسانی که نمی توانند فرق میان اصل و بدل، مهره و خر مهره را بفهمند. ظهیر فارابی شعری دارد به همین مضمون که می گوید:

امروزبهای هیزم و عود یکی است
در چشم جهان خلیل و نمورد یکی است
در گوش کیانی که در این بازارند
آواز خر و نغمه داوود یکی است
۵۰- خواستن توانستن است.

50. when there is a will, there is a way.

وقتی خواسته ای باشد، راهی هم وجود دارد.
توضیح: اگر انسان واقعاً بخواهد کاری را انجام دهد و اراده کند حتماً خواهد توانست.
۵۱- خداوند یاری کسانی است.

51. God tempers the wind to the shorn lamb.

خداوند باد را به سمت بره شخم چیده ملایم می کند.
توضیح: خداوند به کسانی که یاری نداشته باشند کمک می کند و پشتیبان آنهاست.

۵۲- خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو.

52. Do at Rome as the Romans do.

در رُم همان کاری را بکن که رومیها می کنند.

۴۱- چراغی که به خانه رواست به مسجد چرا رد کسی و همچنین: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

43. charity begins at home.

مدله از خانه شروع می شود.
توضیح: اول نیازهای خود و خانواده ات را برطرف کن بعد به دیگران برس.
۴۴- حق به حقدار میرسد.

44. A deserving person will get his due.

کسی که استحقاق داشته باشد به حق خود خواهد رسید.
توضیح: کسی که حقی داشته باشد سرانجام به آن دست خواهد یافت.

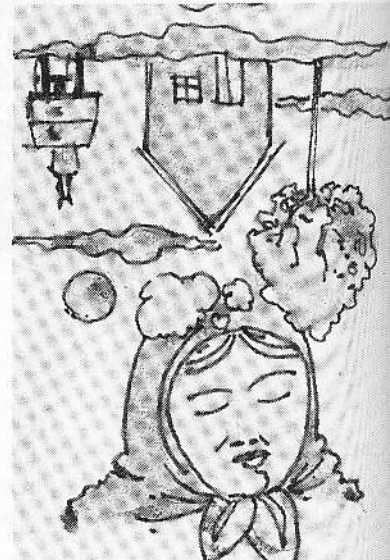
۴۵- حلای ن تنانی تا نخوری ندانی.

45. The proof of the pudding is in the eating.

اثبات حلوا در خوردن آن است.
توضیح: کتابه از آن است که انسان باید هر چیزی را عملاً تجربه کند تا دقیقاً به صفات و خصوصیاتش پی برده و بتواند تصور صحیحی از آن داشته باشد.
۴۶- حساب حساب، کاکا برادر.

46. A bargain is a bargain.

مدله، معامله است.
توضیح: مراجعه کنید به ضرب المثل: برادری بجای خود، بزغاله یکی هفتصد دینار.



۴۷- خواب زن چپ است.

47. women's dreams go by contraries.

به معنی معنی در زبان فارسی.
توضیح: تعبیر رویای زن برعکس آن چیزی است که در خواب دیده است.